



خداوند فرمود من در آسمان و زمین نمی گنجم ولی در دل مومن می گنجم/ کعبه، تجلی خانه قلب

محقق و نویسنده عرفان اسلامی درباره معنویت در حج گفت: تا توحید در ما تجلی نکند؛ آن قله محض توحید که همان عبودیت است در ما مستقر نشود دل‌بستگی‌ها وجود دارد. حج تجلی توحید خالص و عبودیت است.

محقق و نویسنده عرفان اسلامی درباره معنویت در حج گفت: تا توحید در ما تجلی نکند؛ آن قله محض توحید که همان عبودیت است در ما مستقر نشود دل‌بستگی‌ها وجود دارد. حج تجلی توحید خالص و عبودیت است. وقتی که حقیقت عبودیت در قلب انسان تجلی کرد نمی تواند سلطه و وابستگی غیر خدا را بپذیرد.

دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی در گفتگو با خبرنگار مهر درمورد جایگاه حج در عرفان و ادبیات عرفانی ما گفت: کتابی به نام «ملکوت حج» نوشته ام که در آنجا مفصل این سوال شما را توضیح داده ام. حج در فلسفه و عرفان اسلامی و در ادبیات عرفانی ما جایگاه ویژه ای دارد. درواقع یکی از تأویلاتی که عرفا به خانه خدا می زنند. به قول مولوی «تا بگرد آن خانه را در وی نرفت /واندرین خانه بجز آن حی نرفت». می گوید تا زمانی که خدا کعبه را درست کرد در آن نرفته ولی در این خانه دل جز خدا کسی نیست. «القلب حرم الله» یا «قلب المومنین عرش الرحمن».

این محقق و پژوهشگر عرفان اسلامی افزود: قلب ما عرش رحمان و حرم خداوند است. می فرماید اندر این خانه (دل انسان) به جز خدا کسی نرفت ولی آن خانه ای که درست کرد اصلا خدا به آن خانه نرفت. آن خانه (کعبه) نماد جسمانی دارد، خداوند که جسم نیست که در چیزی محدود جای بگیرد. بنابراین کعبه، تجلی خانه قلب است یعنی انسان وقتی به خانه خدا می رود باید حقیقت قلب خودش را ببیند و زمانی حقیقت خانه قلب خودش را می بیند که از همه تعلقات رها باشد. لذا تأثیر معنوی حج آن است که قطع علایق می کند. نه تنها انقطاع بلکه یک شوق و شغف، شیفتگی، هیجان و شورش درونی نسبت به خداوند به ایشان دست می دهد. یعنی هروله کنان به طواف خدا می رود؛ لذا اینجاست که سعی صفا و مروه معنی پیدا می کند. و قلب سرآسیمه به سوی خدا می شتابد. اینجا دیگر جسمت دارد سعی صفا و مروه می کند اما قلبت در آسمانها گرد خانه دوست می گردد. عرفان، مشعر و اسرار عرفانی همه آداب و مراسم حج را در کتابم با نام «ملکوت حج» بیان کرده ام. بنابراین حقیقت و سر کعبه همین دل انسان است که باید از غیر، پاک باشد و به جز خدا در آن چیزی تردد نکند.

منصوری لاریجانی درمورد اینکه در ادبیات ما چه آثاری به حج اشاره کرده است گفت: این بیت که «ای قوم به حج رفته کجایید کجایید/ معشوق همین جاست بیایید بیایید». مرادش از اینجا همان قلب است که اشاره دارد به آن حدیث معروفی که خداوند فرمود «لایسعی أَرْضی و لا سماء و لكن یسعی قلب عبدی المؤمن» خداوند فرمود: من در آسمان و زمین نمی گنجم ولی در دل مومن می گنجم. «خدا اندر دل مومن بگنجد/ که مومن را دلی بی انتها است/ مزن برخانه دل بی وضو دست/ که این خانه حریم کبریا است».

وی افزود: می گوید اینجا نمی شود بی حرمتی کرد. بی وضو به خانه دل دست زد. برای اینکه «القلب حرم الله» شراب صاف و آتشگر بنوشی/ بدانی اندر این پرده چه ها است/. البته همان شراب حاجی است اگر بنوشی. یعنی کسی که حاجی می شود به شراب صاف معرفت می رسد. که اگر حاجی آن را بنوشد آنوقت بداند که اندر این پرده چه ها است. حافظ چه زیبا گفته: خانه می بینی و من خانه خدا می بینم.

منصوری لاریجانی در مورد اینکه چرا دیگر آثاری مانند «خسی در میقات» و یا «حج» شریعتی نوشته نمی شوند اظهارداشت: خسی در میقات و حج شریعتی، نویسندگان نشان که عارف نبودند که در این وادی سیر کنند. آثار بزرگانی همچون امام خمینی(ره) و کتاب «المراجعات» جواد ملکی را در کتابی که گفتم آورده ام. این دو مطالبشان مبتنی بر آیات و روایات است. مراد این است که انسان باید با نفسش، پاک و مبرا از آلودگی‌ها به خانه خدا برود. وای به حال حاجی ای که با نفسی آلوده برود و با همان نفس آلوده برگردد. شرط اول طهارت است. اینجا است که ائمه ما بسیار بسیار بر آن تأکید کرده اند.

وی در مورد اینکه چه نسبتی میان اثرات عرفانی حج با آثار سیاسی و اجتماعی آن وجود دارد تصریح کرد: انسان وقتی که حقیقت عبودیت در حج در قلبش تجلی کرد آن موقع نمی تواند سلطه و وابستگی غیر خدا را بپذیرد. تا به حقیقت توحید نرسد رهایی از این نوع از وابستگی‌ها برای او معنی پیدا نمی کند. یعنی دوست دارد که با این و آن باشد. وقتی که به حقیقت توحید که همان عبودیت محض است نائل آمد آن وقت این روحیه در او تقویت می شود که باید زنجیر علایق و وابستگی و استثمار دیگران را پاره کند. به قول سعدی «هر ساعت از نو قبله‌ای با بت پرستی می‌رود/ توحید بر ما عرضه کن تا بشکنیم اصنام را». یکی بتش شهرتش است یکی قدرتش است یکی هم آمریکاست.

این نویسنده و محقق عنوان کرد: بنابراین تا توحید در ما تجلی نکند؛ آن قله محض توحید که همان عبودیت است در ما مستقر نشود این دل‌بستگی‌ها وجود دارد. می گوید توحید بر ما عرضه کن تا بشکنیم اصنام را. حج تجلی توحید خالص و عبودیت است. لذا وقتی پیام امام (ره) و مقام معظم رهبری درباره حج را می خوانیم بارها بر این مسئله تأکید کردند که حج انسان را به کمال آزادی می رساند. برای اینکه قله توحید و عبودیت است.

منصوری لاریجانی در مورد اینکه چه راز و رمز های عرفانی و چه اسراری در این عبادت الهی نهفته است گفت: همه این عبادت

سیر است.» آن کس که ز کوی آشنایی است/ داند که متاع ما کجایی است». کسی که اهلش باشد می بیند که از زمانی که احرام می پوشد ؛ طواف خانه خدا می کند سعی صفا و مروه می رود در عرفات، مشعر و منا ، همه اینها مراحل سیر و سلوک عرفانی است. اینها ظواهری دارد ولی باطنش مهم است. که در کتاب «ملکوت حج» که توسط انتشارات حج و زیارت برای نوبت سوم و چهارم چاپ شده است به این مسائل پرداخته ام.